

وقتی که سران جمهوری اسلامی از «حقوق» زنان دفاع می کنند!!

کارنامه سیاه رژیم جمهوری اسلامی در عرصه سرکوب حقوق زنان مبین ما و ظلمی که بر زنان ایرانی در هفده سال گذشته رفته است، موضوعی است که نیازی به ارائه دلایل زیاد ندارد. بیان روشن و آشکار افکار و نظرات قرون وسطایی سران رژیم از طریق رسانه های گروهی و قوانین کوناکونی که طی سال های اخیر به تدریج در راستای محدود کردن حقوق زنان کشور ما به تصویب رسیده و به اجرا در آمده است، همگی شواهد انکار ناپذیر و نیرومندی دال بر محکومیت رژیم جمهوری اسلامی در این عرصه است و لذا هدف در این مختصر یادآوری اینگونه قوانین و اقدامات تزیینی نسبت به زنان مبین ما نیست، بلکه روشن شدن این موضوع است که حتی هنگامی که سران رژیم در نتیجه فشار مبارزات خستگی ناپذیر زنان و افکار عمومی جهانیان تظاهر به «دفاع» از حقوق زنان می کنند ماهیت نظرات عمیقاً واپسگرایانه آنان از لایلهای جملات بی سروقه و تبلیغی به روشنی خود را نشان می دهد. به عنوان نمونه هاشمی رفسنجانی در «سومین جشن میلاد کوثر» در مورد سرنوشت زنان در ایران از جمله گفت: «امروز مصاف جدی میان اسلام و غرب در مورد سرنوشت زنان وجود دارد... اختلاف ما با غرب در این است که آنها آزادی زنان را توأم با آلودگی های اخلاقی و بی بند و باری می خواهند... امروز که غربی ها اجتماع با شکوه زنان محجبه و مسلمان ایران اسلامی را می بینند عصبانی می شوند چرا که آنها نمی خواهند فرهنگی را که مخالف آلودگیها و بی بند و باری های اخلاقی غرب است، بپذیرند...»

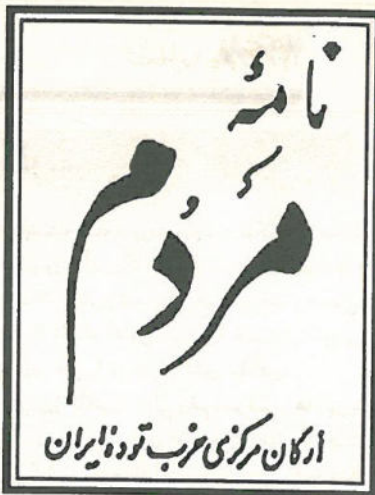
ناطق نوری، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در سخنان مشابهی تأکید کرد: «بوق های استکبار و صهیونیسم همواره تبلیغ می کنند که حقوق زن در ایران پایمال می شود در حالی که ارزش و جایگاه زن در ایران به مراتب بالاتر از غرب است...» (نقل قول ها روزنامهٔ **ادامه در ص ۲**)

۱۶ آذر روز تجدید عهد جنبش دانشجویی با

شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی»
جنبش دانشجویی کشور در مقابل
یورش های نوین ارتجاع

۱۶ آذر امسال مصادف است با چهل و دومین سالروز گرامیداشت حماسه ای که بیش از چهارده پرچم رزم جنبش دانشجویی کشور در مقابل ارتجاع، امپریالیسم و استبداد حاکم بر کشور ما بوده است. چهل و دو سال پیش، خون دو دانشجویی رزمنده توده ای مصطفی بزرگ نیا (عضو رهبری سازمان جوانان توده ایران)، مهدی شریعت رضوی (عضو سازمان جوانان توده ایران) و احمد قندچی دانشجوی مبارز طرفدار دکتر مصدق، در اعتراض به

ادامه در ص ۲



شماره ۴۶۸، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۱۴ آذر ماه ۱۳۷۴

تحریم «انتخابات» فرمایشی يك وظیفه ملی و انقلابی

«انتخابات» و عدم شرکت مردم در آن، هرگونه «مشروعیت» و حتی «مقبولیت» رژیم را بیش از پیش زیر علامت سؤال می برد و ادامه کار «نظام» را در کلیت آن با دشواری های نوین روبرو می سازد. در توضیح اهمیت شرکت مردم در «انتخابات» آینده، دری نجف آبادی، یکی از سخنگویان سرشناس گروه حاکم در مجلس، در مصاحبه با «سلام» درست به همین نکته اشاره می کند و می گوید: «در حقیقت اعتبار نظام کشور و انقلاب بستگی نزدیکی به حضور همه جانبه مردم در انتخابات دارد...» (روزنامهٔ «سلام» ۲۸ آبان ماه ۷۴).

از سوی دیگر تحریم «انتخابات» يك عمل سیاسی مشخص و کام برداشتن در راه بریدن بندهایی است که هنوز میان بخشی از سران «ولایت فقیه» و نیروهای رانده شده از حاکمیت وجود دارد و جناح رانده شده همچنان خواهان حفظ آن است.

در این حساب گری ها و معاملات پشت پرده، طرفین درگیری به کوچکترین مسأله ای که توجه ندارند، موضوع سرنوشت مردم و کشور است که به لطف حکومت ۱۷ ساله رژیم «ولایت فقیه»، در سراسر سب سقوطی خطرناک قرار گرفته است.

مردم ما خوب می دانند که موضوع «انتخابات» چیزی نیست جز جنگ درونی جناح ها برای در اختیار گرفتن انحصاری قدرت و این غایب کوچکترین ارتباطی به خواست مردم برای پایان دادن به استبداد قرون وسطایی، بی عدالتی ها، و استقرار يك حکومت مردمی ندارد. در کشوری که هیچ حزب سیاسی آزاد نیست و دگر اندیشان تنها به جرم

ادامه در ص ۲

موضوع چگونگی برگزاری «انتخابات» پنجمین دورهٔ مجلس شورای اسلامی، با توجه به نزدیک تر شدن زمان برگزاری آن هر روز به شکل گسترده تر و وسیع تر در مطبوعات مجاز کشور انتشار می یابد و از زوایای مختلف مورد بررسی قرار می گیرد. جناح های درگیر بیش از پیش بر حملات تبلیغاتی علیه یکدیگر افزوده اند و در این میان گروه حاکم با تکیه بر اهرم های قدرتی که در دست دارد، اندیشه پاکسازی کامل مخالفان را آشکارا در روزنامه های وابسته به خود طرح می کند و حتی جناح های مقابل را به طرفداری از «ضد انقلاب» متهم می کند تا در آینده ای نه چندان دور و در صورت نیاز، پروندهٔ سرکوب این جناح ها را به لطف قوانین مصوب چهارمین مجلس شورای اسلامی به جریان بیاورد. آنچه تا به امروز مشخص است، این است که جناح های درگیر در جمهوری اسلامی، خصوصاً جناح مخالف، علی رغم برخی افشاکاری ها پیرامون ماهیت استبداد زدهٔ این غمناک، همگی رسماً اعلام کرده اند که در «انتخابات» شرکت خواهند کرد و مردم را نیز به شرکت در این غمناک فراخوانده اند. نکتهٔ جالب این موضع گیری خصوصاً مواضع جناح مخالف این است که علی رغم ارزیابی آنها مبنی بر آنکه نامزدهای انتخاباتی شان نخواهند توانست از سد نظرات استصوابی شورای نگهبان عبور کنند، و تازه اگر هم تعداد معدودی از این سد بگذرند، نمی توانند نقش تعیین کننده ای را در آینده حاکمیت بازی کنند، هنوز هم از ارکان های تبلیغاتی خود در بوق شعار شرکت در «انتخابات» می دمند و در جستجوی یافتن متحدین جدید (در میان برخی از طرفداران رفسنجانی) برای مقابله با یورش جناح رسالت هستند. این برداشت و موضع گیری از این دیدگاه سرچشمه می گیرد که تحریم

يك سوال و پاسخ ما ص ۳
 جناح حاکم و برنامه نویسی برای ۲۵ سال آینده ص ۴
 حزب توده ایران در هیجدهمین کنگره (آکل) ص ۷
 سوسیالیسم یا مرگ ص ۸

زنده باد آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

تحریم فرمایشی ...

مبارزه سیاسی در راه اعتقادات خود دستگیر، شکنجه و سپس وحشیانه به دار آویخته می شوند و در عین حال سران آن به همین اعمال نیز افتخار می کنند، سخن از برکزاری «انتخابات» آنهم «انتخابات» آزاد شوخی بی مزه ای بیش نیست. و هرگونه ایجاد توهمی در این زمینه تنها خاک پاشیدن در چشم توده ها است. از این رو است که تحریم این غمایش فرمایشی که حاکمیت آن را برای اهداف تبلیغاتی خود و مهر تأیید زدن بر سیاست های خانمان برانداز و ضد ملی رژیم «ولایت فقیه» در عرصه های گوناگون می خواهد، تنها پاسخ شایسته ای است که می توان به ترفندهای رژیم داد.

تحریم غمایش «انتخابات» یک وظیفه ملی و انقلابی است که می بایست برای موفقیت آن کوشید و از هم اکنون برنامه ریزی کرد. عدم حضور مردم در این غمایش «انتخابات» رژیم در واقع به مثابه رفراندومی است که مردم در آن به رژیم «ولایت فقیه» نه می گویند و انزجار خود را از این دستگاه غاصب مستند اراده توده ها اعلام می کنند.

ما به نیروهای مذهبی که هنوز خوش باورانه در انتظار «معجزه» از این «امامزاده» نشسته اند، هشدار می دهیم که مامشات با سرکویکران عاقبتی جز قربانی شدن در پای استبداد ندارد، آنهم استبدادی که این گونه بی پرده و آشکار مخالفان (و متحدان دیروزی) خود را تهدید می کند؛ «ظاهراً عده ای متأسف هستند از اینکه چرا مردم به خیابان ها نمی ریزند و علیه نظام نمی شوند!! ... آیا وقتی مردم به شما و جماعت شما پشت کردند باید به آنها بد و بیراه بگویید؟! ... همین چند روز پیش یک پیام زشت را به اصطلاح از زبان خوانندگان! در الو سلام چاپ کردید و رادیو

وقتی که سران ...

«رسالت» ۲۴ آبان ۷۴)

و بالأخره سرمقاله نویسنده روزنامه «رسالت» برای آنکه جای شك و شبهه ای برای کسی در مورد حقوق زنان در ایران باقی نماند، در مطلبی با عنوان «قدر زن خانه دار» نوشت: «مطابق آنچه که بزرگان گفته اند، اسلام مخالفتی با کار زنان در بیرون از خانه ندارد، مشروط بر آن که ارزش های اسلامی عفت، پاکدامنی، حجاب و وقار آنها حفظ گردیده و از سوی دیگر نقش و رسالت های اصلی «همسر داری» و «مادری» دچار لطمه نگردد ...»

از این روشن تر و بی حجاب تر نمی توان در مورد بی حقوقی زنان کشور مان داد سخن داد. به نظر دولتمردان جمهوری اسلامی وظایف «اصلی» زنان در درجه نخست «همسری» و سپس «مادری» است و پس. و همه این افکار عقب مانده زیر لوای حفظ فرهنگ اخلاقی جامعه پرده پوشی می شود. راستی سران رژیم از کدام «اخلاق» سخن می گویند؟ کدام اخلاق است که اجازه می دهد کودکان نه ساله به همسری مردان چهل ساله در آیند و زندگی پدتر از مرگ را سال ها تحمل کنند. کدام اخلاق است که زنان را کالایی می داند که مردان «مسلمان» می توانند به خواندن چند ورد برای

اسرائیل با آب و تاب آنرا خواند. چرا تیشه به ریشه سیاسی خود می زنید. چرا دل یک مشت صهیونیست را شاد می کنید؟! «سرمقاله روزنامه رسالت ۳۰ آبان ۷۴»، نمی تواند ثمری جز فاجعه کنونی برای میهن ما داشته باشد.

تیشه ای که سرمقاله نویسنده روزنامه جناح حاکم به آن اشاره می کند، چیزی نیست جز همان اندیشه و عمل کرداندگان رژیم «ولایت فقیه» که در طول یک دهه گذشته مسئولیت ضربه زدن به ریشه تمامی نیروهای دگر اندیش، سرکوب، شکنجه و اعدام آنان را عهد دار بوده اند.

ما قبلاً گفته بودیم که باید میان صف خلق و ضد خلق انتخاب کرد. شرایط حاد جامعه و تشدید قطب بندی ها در کنار رشد روز افزون بحران اجتماعی - اقتصادی دیر یا زود این «انتخاب» را به همه نیروهای درگیر تحمیل خواهد کرد و در همین جابجایی و صف بندی های گروه ها و نیروها است که معیار های دقیق سنجش در اختیار مردم قرار می گیرد و این امکان پدید می آید که نیروها را نه بر اساس ادعایشان، بلکه بر اساس عملکرد شان ارزیابی کرد و جای آنها را در این صف بندی ها مشخص نمود.

مسلم این است که در دهه گذشته روند حاکم همواره بر چند پاره شدن بیشتر و ایجاد شکاف های جدید، در میان نیروهای درون و پیرامون حاکمیت استوار بوده است و این روند امروز با شدت بیشتری در جریان است. روندی که دیر یا زود می بایست در شرایط اوج گیری مبارزه توده ها به از هم پاشی رژیم ضد مردمی «ولایت فقیه» بیانجامد.

هر مدتی که بخواهند صاحب شوند و سپس مانند متاعی مصرف شده به دور بیاندازند. و بالأخره کدام اخلاق است که معتقد است می بایست به دور زنان کشورمان دیوارهای بلند کشید (از حجاب گرفته تا جدا کردن صف زن و مرد در وسایل نقلیه) تا «مردان» با دیدن زنان «تحریک» نشوند.

راستی چگونه است که امروز جامعه ما از فحشا، و فساد اخلاقی به شدت رنج می برد. پاسخ به همه این سوال ها روشن است. مشکل جامعه ما نه خطر در غلتیدن در فساد فرهنگی، بلکه اسیر بودن در چنگال دولتمردانی است که خود به هیچ اصول اخلاقی پایبند نیستند.

زنان ایرانی، سال های طولانی برای دست یابی به حقوق خود مبارزه کرده اند و امروز علی رغم عقب کردهای چند ساله اخیر زیر فشار حقیقان رژیم حاضر نیستند خود را در کورهای سپاهی که رژیم کنده است دفن کنند. زنان ایرانی نشان داده اند که نیروی عظیمی در حرکت جامعه ما به جلو برای استقرار دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی هستند و همان طوری که در انقلاب شکوهمند بهمین توانستند نقش مهم خود را ایفا کنند، بی شک در خیزش بزرگ آینده مردم ایران علیه استبداد «ولایت فقیه» نقش شایسته خود را ایفا خواهند کرد.

۱۶ آذر ...

حکومت وابسته شاه و ورود ریچارد نیکسون، معاون ریاست جمهوری آمریکا، توسط مزدوران رژیم شاه در صحن دانشگاه جاری شد و در هم آمیخت و حماسه شکوهمندی از اتحاد آهنین، مبارزه خستگی ناپذیر و طلبه پیروزی خلق را در تاریخ کشور ما آفرید.

از آن روز تاکنون، علی رغم سرکوب ها، یورش ها، دستگیری ها، پاکسازی ها و حتی اعدام ها، جنبش دانشجویی کشور هر ساله این روز تاریخی را به عنوان روز دانشجو در میهن برگزار می کند و بدین ترتیب پیمان خود را با این رزمندگان دلیر جنبش آزادی بخش کشورمان تجدید می نماید.

امسال سالروز شانزده آذر در شرایطی فرا می رسد که دانشگاه های کشور، در تب و تاب و تنش های زیادی میان چماق بدستار حکومت استبدادی از یک سو و اکثریت قاطع دانشجویان از سوی دیگر قرار گرفته است. برخوردهای گوناگون در ماه های اخیر از زده خورد در جریان سخنرانی دکتر سروش تا یورش چماق داران رژیم (انصار حزب الله) به تالار مولوی (یکشنبه ۲۸ آبان) که جشنواره تاتر دانشجویی کشور در آن برگزار می شد، به بهانه «اهانت به هفته دفاع مقدس» و اختلاط مردان و زنان قماشگر، و منجر به بسته شدن تالار مولوی شد، نشان می دهد که واپسگرایان و تاریک اندیشان حاکم مصمم اند تا جلوی رشد فعالیت های صنفی - سیاسی در جنبش دانشجویی کشور را سد کنند.

محیط های دانشجویی کشور، به دلیل ماهیت شان، در میهن ما همواره مرکز فعالیت سیاسی، صنفی و اجتماعی بوده است، و هیچ ترفندی از «انقلاب فرهنگی»، پاکسازی های وسیع تا سرکوب خشن نتوانسته ماهیت این محیط ها را به نفع حکومتگران تغییر دهد. امروز نیز بار دیگر جنبش دانشجویی کشور، علی رغم تشدید فشارها، به مبارزه خود علیه رژیم استبدادی حاکم ادامه می دهد و مانند سال های پیش سالروز ۱۶ آذر را علی رغم تلاش های بهیچوجه چماق داران استبداد برگزار خواهد کرد.

جنبش دانشجویی ایران نقش مهمی در مبارزه علیه رژیم ستم شاهی و به پیروزی رساندن انقلاب بهمین ۵۷ عهده دار بود و دانشگاه تهران یکی از سنگر های مهم انقلاب بود. جای هیچگونه تردیدی نیست که جنبش دانشجویی کشور علی رغم تمامی دشواری هایی که پیش رو دارد، خواهد توانست بار دیگر نقش شایسته خود را در مبارزه مردم ما برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی در ایران ایفا کند.

مسائل بین المللی

شماره ۶

منتشر شد

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

يك سؤال و پاسخ ما

برخی از خوانندگان «نامه مردم» از ما می پرسند: چرا علی رغم حملات مداوم نشریه ضد حزبی «راه توده» و تلاش آن برای تفرقه انداختن و زیر سؤال بردن مشی مبارزاتی حزب توده ایران، برخوردار می باشد با این نشریه نمی کنید! موضوع گیری های سیاسی این نشریه را چگونه ارزیابی می کنید؟

کردد و همه نیروها را برای برکناری حکومت استبدادی و پشت کرده به انقلاب، کرد آورد ...»

و بالاخره در همین شماره بسیار «فوق العاده» است که دست اندرکاران «راه توده» با مهارت کم نظیری زمین و آسمان را به هم می دوزند و با عنوان های جدا و گاه نامربوط به هم که شامل هجوم خبرنگاران خارجی (به عنوان نشانه جدی یورش نظامی آمریکا به ایران)، بیرون کردن عده ای از نمایندگان از مجلس و عدم اجازه به آنها برای شرکت در جلسات (۱۴) و سپس آغاز مذاکرات ایران و عراق است، با عناوین درشت هشدار می دهند: «مطبوعات غیر دولتی در خطرند ...» و «طرح کودتای «اندونزی» در ایران پیاده شدنی است...». برای ما روشن نیست که نویسنده «راه توده» آیا اطلاع درستی از ماجرای «کودتای اندونزی» دارد یا نه؟ زیرا اگر قرار باشد شرایط ایران را با کودتای اندونزی مقایسه کرد، می بایست به سال های ۶۰ و یورش خونین و کودتا وار رژیم جمهوری اسلامی به نیروهای مترقی و از جمله کمونیست ها (یعنی کلیه نیروهای چپ از حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت، راه کارگر، و ...) رجوع کرد که در آن مانند اندونزی هزاران مبارز مترقی و طرفدار آزادی، دستگیر، شکنجه و سرانجام اعدام شدند. (منظور ما همان «اشتباه» ناچیزی است که نیروهای مترقی به گفته «راه توده» می بایست به کل جمال سران رژیم ببخشند).

نویسنده «راه توده» برای همه جانبه تر شدن «تزهایش» در همان شماره ای که خواهان پایان دادن به حکومت استبدادی شده است و شعارهای «دفاع از انقلاب» را کهنه شده ارزیابی می کند، می نویسد: «اکنون با جرئت می توان گفت، که توطئه «شکست» انقلاب، علیرغم همه عوارض جنایت بار و ضد ملی آن، خود «شکست» خورده است... آغاز مرحله نوین پیشروی جنبش انقلابی، در درجه نخست، به معنای آن است که تناسب نیروها در نبرد «که بر که» در جامعه، که تا به امروز و در طی سال های سراسر حادثه، به نفع راستگرایان حاکم و ضد انقلاب تغییر می یافت، از این پس به سود نیروهای انقلابی و دموکراتیک دگرگون می شود و بسط می یابد (۱۴) بنابراین احتمال پیروزی یک کودتای دست راستی حکومتی و یا دوام آن در صورت پیروزی اولیه، در دراز مدت، هر روز کمتر و کمتر و در مقابل چشم انداز یک تحول انقلابی در کشور ما هرچه بیشتر گسترده می گردد... با قرار گرفتن جنبش انقلابی در مسیر نوین پیشروی خود، پایان بخشیدن به حیات حکومت استبدادی پشت کرده به انقلاب، هرچه بیشتر در دستور مبارزه قرار می گیرد...»

در اینجا البته روشن نیست که تکلیف کودتای اندونزی در ایران چه شد و از همه مهمتر از سطور بالا روشن می شود که نویسنده حتی از درک مقولات اساسی مانند انقلاب و حاکمیت نیز عاجز است. وگرنه چگونه می توان مدعی شد که «شکست» انقلاب با «شکست» رویرو شده است و در همان حال اذعان کرد که حاکمیت در دست یک گروه ضد انقلابی است که می بایست سرنگون شود؟

و باز البته این «تنوری» هم تنها چند شماره بیشتر دوام ندارد و «انقلاب» که در شماره های مختلف از حالت نزار به حالت پیروزی و حتی به حالت جهشی رسیده بود، ناگهان به زمین کوبیده می شود و خوانندگان در کمال تعجب درمی یابند که در آذرماه ۷۴ انقلاب بالاخره با شکست مواجه می شود و جای آن را یک انقلاب «برباد رفته» می گیرد! در «راه توده» شماره ۴۲ می خوانیم: «نفس همین شعار «مرک بر ملی کرا، توده ای و ملتی» خود به خود و از زبان حکومتی که باید جای خود را به یک حکومت «وحدت ملی» مرکب از همه آزادیخواهان و میهن دوستان بدهد، در واقع چارچوب جبهه ای را که برای نجات

ما قبلاً نظر حزب توده ایران را نسبت به این نشریه در ارکان مرکزی حزب اعلام کرده بودیم و سپس در شماره ۴۳۶ «نامه مردم» درباره عملکرد و اهداف آن مطلب مفصلي منتشر کردیم که گذشت زمان مهر تأیید بر آنها زد.

کوتاه، اینکه این نشریه نه تنها ارتباطی به حزب توده ایران ندارد، بلکه هدف مبارزه علیه حزب و مشی سیاسی آن را دنبال می کند. حزب توده ایران طی بیش از پنج دهه تاریخ پرتلاطم خود در معرض اشکال متنوع حملات قرار داشته است. توده ای ها آموخته اند که علی رغم پوشش بیرونی این حملات محتوا و مقصد اصلی آنها را دریابند. و اما در مورد بخش دوم سؤال، ما فقط به ذکر چند نمونه از این موضع گیری ها بسنده می کنیم و داوری در این باره را به خود خوانندگان واگذار می کنیم.

«موضع گیری» های نخستین نشریه «مواضعی» است «رادیکال» و آشتی ناپذیر با رژیم، از جمله در «راه توده» شماره ۴ می خوانیم: «رژیم حاکم بر ایران آخرین فصل سیاه تراژدی نابودی ایران را می نویسد... ادامه سرکوب و استبداد مذهبی و تحمیل نوع و شیوه زندگی به مردم، عملاً آب به این آسیاب می ریزد، و رژیم حاکم با هیچ شیوه ای جز همین شیوه آشنا نیست...»

و در تکمیل این نظر اضافه می شود: «بحران اقتصادی - سیاسی در ایران به حریقی می ماند، که هر لحظه از سویی زیانه می کشد و حلقه محاصره حکومت را تنگ تر می کند. بیم از سقوط و هراس از آینده روحانیت شیعه در ایران، بر مجموعه نادانی ها، اختلاف ها، ناتوانی ها، رقابت ها و ... رژیم افزوده شده است. بخشی از روحانیت، که دور اندیش تر می نماید، سعی دارد، حسابش را از روحانیون حکومتی جدا کند. آنها که حسابشان از ابتدا جدا بوده بر آگاه ساختن مردم از این جدایی و مرز دینی - حکومتی اصرار دارند. آنها می خواهند، حتی یک برگ هم در پرونده قطور روحانیون حاکم طی ۱۵ سال گذشته، که سرانجام باید درباره آن به مردم ایران حساب پس بدهند، نداشته باشند...» («راه توده»، شماره ۶)

عمر این تحلیل آتشین چندان نیست و در شماره های بعدی «راه توده» تحلیل «تاب تری» که می بایست همه توده ای ها حول آن متحد شوند درج می شود و «راه توده» می نویسد: «تصور اینکه «رژیم ولایت فقیه» در مجموع خود در سراسیمه سقوط قرار دارد... اشتباه بسیار بزرگ دیگری است... جناح چپ جمهوری اسلامی را به صرف اینکه زمانی بر سرکوب حزب ما صحنه گذاشت است، از هرگونه توان و ظرفیت پیشرفت فکری و انقلابی محروم وانمود کرده و آن را با جناح راست حاکم (در عمل) همسنگ دانسته و در یک کفه قرار می دهد... نه تنها خود باید از این جناح (جناح چپ) دفاع کنیم، بلکه باید تمام قدرت خود را به کار گیریم، تا سایر نیروهای انقلابی نیز اگر تردیدی دارند، متقاعد کنیم که به حمایت از آنها برخیزند... نتیجه بگیریم در مقابل سیاست خائمان برانداز طرد ولایت فقیه، تنها یک راه وجود دارد: دفاع از انقلاب...» («راه توده» شماره ۲۴).

و البته عمر این «نظریه» هم که قرار بود «پرچم» توده ای ها در مبارزه کنونی باشد چندان دوامی ندارد و در «فوق العاده» راه توده - ۱۳ از قول «مخافل آگاه توده ای (۱۴) در داخل کشور» می خوانیم: «تناقض میان ماهیت ضد انقلابی برنامه های حکومت و ظاهر انقلابی آن، که تناقض اساسی حکومت راستگرایان حاکم بر جمهوری اسلامی است، سرانجام می باید حل می کردید (۱۴) ... پایان بخشیدن به حیات حکومت استبدادی پشت کرده به انقلاب، هرچه بیشتر در دستور مبارزه قرار می گیرد و به یک ضرورت مبدل می شود... شماره ای که تا دیروز (منظور چند شماره قبل «راه توده» است) منعکس کننده دوران عقب نشینی بود و می کوشید نیروها را برای نجات انقلاب بسیج کند، اکنون باید با شماره ای، که منعکس کننده این مرحله نوین (۱۴) است جایگزین

اقتصاد ایران نیست...» و سپس به تبحر محترم دلداری داد که: «این سیاست‌ها (توقف واردات و کنترل نرخ ارز) در مقطعی خاص و برای جلوگیری از تحرك دشمن لازم و قطعی بود اما به صورت دائمی به نفع کشور نخواهد بود و در مجموع به صلاح اقتصاد کشور نیست که صادرات پیمان داشته باشد و یا واردات در برابر صادرات متوقف گردد...» و در اولین فرصت که علت اجرای آن از بین برود محدودیت‌ها برطرف خواهد شد...» (روزنامه «رسالت» - ۲۰ آبان ماه ۷۴)

فشار بر بانک جهانی

به گزارش رسانه‌های گروهی، دولت آمریکا در ماه‌های اخیر فشار خود را بر مراکز بین‌المللی، از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای جلوگیری از اعطای وام به جمهوری اسلامی دو چندان کرده است. بر اساس همین گزارش‌ها در پی این فشارها اعطای چند فقره وام به میزان ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون دلار که قرار بود در طرح‌های توسعه رژیم به کار گرفته شود به حالت تعلیق درآمده است و آینده آنها نا روشن است. در پی این اقدام دولت آمریکا، کمال خرازی نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد، اقدام آمریکا را نمونه بارز «تروریسم اقتصادی» خواند و به شدت علیه آن اعتراض کرد.

فاضل خداداد اعدام شد

بر اساس گزارش روزنامه‌های مجاز کشور، فاضل خداداد، سحرگاه چهارشنبه ۱ آذرماه در زندان اوین اعدام شد. روزنامه «رسالت» ارکان گروه حاکم با خوشحالی از قول «مردم» نوشت: «اعدام خداداد یعنی اقتدار در برخورد با دانه درشتها» (رسالت ۲ آذر ۷۴) موضوع برگزاری علنی دادگاه عاملان اختلاس در بانک صادرات، در تهران در ماه‌های اخیر هرگونه شبه‌ای را پیرامون ماهیت و عملکرد دستگاه قضایی جمهوری اسلامی حتی در میان خوش‌باورترین افراد نسبت به رژیم از میان برد. در جریان این محاکمات که حتی برخی از سران رژیم مانند آیت‌الله مشکینی آن را بزرگترین خیانت تاریخ ایران قلمداد کردند، نه تنها بر سر «دانه‌های درشت» مانند آقای محسن رفیق دوست، رئیس منصوب شده بنیاد مستضعفان از سوی «ولی فقیه» «بلائی» نیامد بلکه پس از محاکمه مورد لطف و عنایت «مقام معظم رهبری» قرار گرفت و فاضل خداداد، که به گفته خودش تنها «پادوی» جریان بود، به انتقام افشاکاری‌هایی که علیه رفیق دوست و یاران کرد، به دار کشیده شد. اتفاقی نیست که پس از این محاکمه جنجالی و افشاکر سر و صدای تمامی محاکمات دیگر فروکش کرد و روند پیدا کردن «دانه‌های درشت» که روزانه با آب و تاب در روزنامه‌های درج می‌شد، ناگهان متوقف شد. اجرای حکم اعدام در مورد فاضل خداداد علی‌رغم مجرم بودن او در کار اختلاس بانک صادرات، در شرایطی که اختلاس‌کنندگان اساسی و دزدان بزرگ، کسانی نیستند جز رهبران رژیم، تنها موید این نظر است که کار قضا و قضاوت در جمهوری اسلامی بر اساس قوانین دوگانه‌ای، یکی برای رهبران رژیم و نزدیکان آنان و دیگری برای مردم عادی عمل می‌کند.



که با نزدیک تر شدن زمان انتخابات درگیری میان جناح‌های رژیم تشدید می‌شود و صف بندی‌های جدیدی در حال شکل‌گیری است.

«جریانی که از خارج آب می‌خورد»

بر اساس گزارش هفته‌نامه «صبح»، علی لاریجانی رئیس صدا و سیما جمهوری اسلامی در نماز جمعه تهران جریان‌هایی را که خواهان تغییر وضع کنونی هستند، جریان‌های وابسته به خارج دانست و از جمله گفت: «جریان وابسته به خارج در تلاش است با ترویج افکار لیبرالیستی اصول انقلاب را متزلزل کند و مردم نباید در مقابل این جریان وابسته بی تفاوت باشند... گروه‌های مخالف نظام اسلامی اخیراً در جلسه‌ای به توافق رسیدند که به جای سعی در پراندازی حکومت اسلامی که از پشتیبانی توده‌ها برخوردار است برای ضربه زدن به نظام اسلامی باید تفکر لیبرالیستی را ترویج کنند...» (هفته‌نامه صبح - ۱۶ آبان ۷۴). این ادعاهای مسخره بی‌اختیار انسان را به یاد ادعاهای شاه می‌اندازد که همه مخالفان را وابسته به خارج می‌دانست و همه مردم را طرفدار رژیم شاهنشاهی و هنگامی که زمان به محک گذاشتن ادعاها فرا رسید، کریان در مقابل تظاهرات میلیونی خلق علیه رژیم فاسدش از ایران گریخت. سران رژیم کنونی نیز امروز به عبث تلاش می‌کنند صدای اوج گیرنده اعتراض‌های توده‌ای از رژیم پوسیده و ضد مردمی حاکم را به حساب دخالت خارجی بگذارند. بی‌شک زمان آزمون این ادعاهای سران رژیم نیز فرا خواهد رسید و تاریخ این بار در شکل دیگری تکرار خواهد شد.

این هم «دو کلام حرف حساب»

بحران اقتصادی - اجتماعی رژیم که در ماه‌های اخیر به مختل شدن کامل امور اقتصادی دولت و از جمله بسته شدن مرزهای کشور و افت سنگین واردات منجر شد، بالاخره صدای «بازاریان محترم» را که «ستون‌های اساسی نظام جمهوری اسلامی» هستند، درآورد و نماینده این «استوانه‌های» انقلاب در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه «رسالت» باری از دل برداشت و در مورد سیاست‌های مورد نیاز دولت برای پایان دادن به بحران اظهار نظر کرد. حبیب‌الله عسکر اولادی در سخنان خود از جمله گفت: «توقف واردات در برابر صادرات به صلاح

جناح حاکم: و برنامه نویسی برای

۲۵ سال آینده!

در حاشیه اظهار نظرهایرامون «انتخابات» آینده مجلس، در هفته‌های اخیر، دری نجف‌آبادی از سخنگویان گروه حاکم مطالبی عنوان کرد که حاوی نکات جالبی است. او در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه «سلام» از جمله گفت: «مقطع فعلی از لحاظ بین‌المللی هم خیلی حساس است. برای اینکه بدانیم باید برای ۲۵ سال آینده چه برنامه‌ای داشته باشیم و در قبال مسایل حساسی چون عضویت یا عدم عضویت در پیمان تجاری «کات» تصمیم گرفته، برنامه داشته باشیم. حتی دولت آینده که خواهی نخواهی دو دوره ریاست جمهوری را باید عهده‌دار بشود (۱؟) یک برنامه ده ساله برای کشور لازم است که داشته باشد. چه بسا مجلس پنجم این برنامه‌ها را برای دولت و خودش در آینده ترسیم کند...» و سپس در مورد اینکه «انتخابات» چگونه باید برگزار شود، «در حقیقت اعتبار نظام کشور و انقلاب بستگی نزدیکی به حضور همه جانبه مردم در انتخابات دارد...» به همین سبب از یک طرف اکثریت مردم باید در انتخابات شرکت کنند و از طرف دیگر آنهایی که صلاحیت دارند حتماً وارد مجلس گردند...» (روزنامه «سلام» ۲۸ آبان ۷۴). نکات جالبی که از سخنان دری نجف‌آبادی در این مصاحبه می‌توان استخراج کرد از جمله این است که گروه حاکم از هم اکنون برنامه دو دوره ریاست جمهوری آینده و ۲۵ سال آینده ایران را نیز تنظیم کرده است و کام‌اول در اجرای این برنامه طولانی مدت، تسخیر مجلس پنجم توسط «کاندیداهای صلاحیت‌دار» مورد تصویب شورای نگهبان و «شرکت» مردم در «انتخابات» برای مشروعیت بخشیدن به این برنامه‌های حضرات است.

«تکنو کرات‌ها اگر دست خود را رو

کنند جایی در مجلس پنجم ندارند»

سید محسن یحوی عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با روزنامه «اخبار» در مورد وضعیت جناحی که این روزها به نام «تکنو کرات»‌ها معروف شده است از جمله گفت: «این گروه معتقد به جدایی روحانیت از صحنه سیاست و اداره کشور است و برای ولایت فقیه نیز جایگاهی قائل نیستند و ولی فقیه را به عنوان یک مقام عالی‌رتبه غیر مداخله‌گر در امور جاری کشور و در سیاست‌گذاری‌ها قبول دارند... حتی تکنو کرات‌ها اظهار می‌کنند فرماندهی کل قوا... باید زیر نظر رئیس جمهوری باشد و در سیاست اقتصادی معتقد به بازار آزاد و توسعه در هر شرایطی باشد... و در زمینه سیاست خارجی معتقد به برقراری روابط با آمریکا به منظور حل مشکلات موجود در کشور هستند... اگر این گروه به درستی مواضع سیاسی و خارجی خود را اعلام کند با توجه به نظر رهبر معظم انقلاب... به طور قطع طرفداران این طرز تفکر به مجلس دوره پنجم راه نخواهند یافت...» (۱؟) ما در شماره قبل «نامه مردم» اشاره کردیم

لهستان

در پایان دور دوم انتخابات ریاست جمهوری لهستان که ۲۸ آبان ماه برگزار شد، الکساندر کواسنوسکی، کمونیست سابق و رهبر حزب «اتحاد چپ دموکراتیک» با تصاحب ۵۱/۷۲ درصد آراء در مقابل ۴۸/۲۸ درصد آراء از لئخ والنسا، این سرشناس ترین ضد کمونیست اروپای شرقی و رئیس جمهور فعلی، پیشی گرفت. بسیاری از تحلیل گران سیاسی شکست انتخاباتی والنسا را شروع عملی دوران افول تلخ تهاجم نیروهای ضد کمونیستی در کشورهای سوسیالیستی سابق اروپای شرقی می دانند که در آغاز دهه ۸۰ میلادی از لهستان با پرچم داری والنسا آغاز شده بود. در حال حاضر کمونیست های پیشین هم کنترل پارلمان و هم ریاست جمهوری را در دست دارند. پلاتفرم انتخاباتی والنسا و طرفدارانش جهت گیری مشخص ضد کمونیستی داشت. والنسا، کواسنوسکی را «بلشویک» خواند و اخطار کرد که با پیروزی او «تار عنکبوت سرخ» باز خواهد گشت. کواسنوسکی در مقابل خواستار مصالحه ملی و شرکت همه نیروهای سیاسی در ساختمان آینده لهستان شد. و گفت: «وظیفه ما فقط در صورتی می تواند به انجام برسد که همه با هم کار کنیم». شعار انتخاباتی او این بود: «بیباید آینده را انتخاب کنیم». در لهستان ۱۵ درصد نیروی کاری کار است و از هر ۸ نفر یک نفر در فقر به سر می برد. مردم لهستان از اقدامات غیر مسؤولانه والنسا و به ویژه درگیری دایم او با پارلمان، در دو ساله گذشته، و خلق ۳ نخست وزیر پیشتهادی پارلمان خسته شده اند.

طرفداران والنسا که علی رغم همه تمهیدات نتوانستند جلوی شکست انتخاباتی کاندیدای ارجحی ترین متحد کاتولیک و دنیای سرمایه داری را بگیرند، اقداماتی برای ایجاد بحران سیاسی در لهستان آغاز کرده اند. والنسا اظهار داشته است که نتیجه انتخابات را به رسمیت نمی شناسد. آن ها کواسنوسکی را متهم کرده اند که در معرفی نامه انتخاباتی خود برخی حقایق در مورد گذشته سیاسی خود را مخفی نگه داشته است و همچنین مدعی هستند که در انتخابات تقلب انجام گرفته است و در این مورد به دیوان عالی کشور شکایت کرده اند. دو روز پس از اعلام انتخابات، وزرای امور خارجه، دفاع و کشور و همچنین مسؤل امور امنیتی لهستان که همگی از طرفداران والنسا و از مهره های ضد کمونیست اتحادیه موسوم به «همبستگی» هستند از مقام های خود استعفا کردند. این کوشش ها به منظور ایجاد واژه در غرب و ایجاد واکنش علیه کواسنوسکی انجام گرفته است.

ایالات متحده آمریکا

کنگره که تحت کنترل اکثریت جمهوری خواه است از یک سو درصدد کاهش شدید بودجه خدمات عمومی و از سوی دیگر کاهش مالیات ها است. طرح پیشنهادی جمهوری خواهان شامل کاهش ۱۰۰ میلیارد دلار از بودجه خدمات عمومی در طول ۷ سال آینده و نیز کاهش میزان مالیات ها به مبلغ ۲۴۵ میلیارد دلار است که عمدتاً به نفع ثروتمندان و صاحبان سرمایه است. دولت کلیتون که خواستار کاهش بودجه خدمات عمومی در طول ۱۰ سال آینده و نیز کاهش مالیات ها به میزان ۱۰۵ میلیارد دلار است، در هفته های اخیر



آلمان

محاکمه اکون کرنس، آخرین رهبر کمونیست جمهوری دموکراتیک آلمان، به اتهام قتل، پس از تسلیم اعتراضیه وکلای مدافع او در مورد صلاحیت و بی طرفی قضات دادگاه، به تعویق افتاد. وکلای مدافع کرنس و پنج تن دیگر از اعضای هیات سیاسی حزب سوسیالیست متحده آلمان شکایت کرده اند که سه تن از پنج قاضی این محاکمه در اساس قبل از شروع محاکمه رای خود را دال بر محکومیت آنان داده اند. و عملاً در قبال جریان محاکمه بی طرف نیستند.

دادستان در آغاز در نظر داشت که کرنس و دیگر متهمان را به اتهام «غفلت» محاکمه کند، یعنی متهمان مسؤل مرگ کسانی که هنگام فرار از فراز دیوار برلین به قتل رسیدند، نیستند ولی به علت عدم جلوگیری از آن مقصودند. ولیکن قاضی پروتینکام و دو تن دیگر از همکارانش یک هفته قبل از شروع محاکمه مطرح کردند که متهمین همگی فعالانه در تصمیم گیری های امنیتی و مرزی دخالت داشته اند و لذا متهم به قتل هستند.

روسیه

با آغاز کارزار انتخاباتی، حزب کمونیست فدراسیون روسیه طرح های خود را برای جلب آراء جوانان و روشنفکران روسیه در وسیع ترین سطح به مردم ارائه کرد. کنادی زیوگائف، رهبر حزب، طی یک سلسله سفرهای انتخاباتی در سخنرانی مهمی که در دانشگاه پدکاوئیکی دولتی کورسک ایراد کرد گفت: «امروز دولت نمی تواند برای صنایع دفاعی، حمل و نقل، ارتباطات، تکنولوژی عالی و مدرن و یا آموزش و علوم پول خرج کند. این عرصه ها باید تحت کنترل دولت باشند». او در مورد برنامه حزب کمونیست در صورت پیروزی در انتخابات، گفت: «ما در آغاز کوشش خواهیم کرد آن چیزهایی را که از فرزندان ما به شما رفته است به آنان برگردانیم؛ حق اشتغال، آموزش و استراحت... برنامه های آموزشی باید غنای تاریخ، فرهنگ و سنت های روسیه را دربر داشته باشد. موضوعات تخصصی در دانشگاه ها باید جدیدترین و عالی ترین آنها باشد و برای همه افراد صرف نظر از ثروتشان فراهم باشد... یک دولت مردمی دولتی است که می تواند قدرت را از طریق بهترین نمایندگان مردم اعمال نماید».

حزب کمونیست روسیه کوشش خود را برای جلب حمایت نسل جوان و تحصیل کرده دوچندان کرده است. رشد روز افزون شعبات قدرتمند حزب در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی در سراسر روسیه نشانه موفقیت حزب در این عرصه بوده است. شعبه حزب در دانشگاه دولتی مسکو بیش از ۶۰۰ نفر عضو دارد. پاریس گورولف، پروفیسور علوم سیاسی در دانشگاه کورسک و معاون دبیر دایره ایدئولوژی کمیته ایالتی حزب کمونیست در منطق «در این باره گفت: «در ۱۹۹۱ روشنفکران به یلتسین معتقد بودند. ولی آنان شروع به درک این واقعیت کرده اند که در کشور هیچ رفرمی صورت نمی گیرد، آنچه صورت می گیرد ویرانی و تخریب کشور است.»

در سال گذشته بسیاری از مردم حقایق را درک کرده اند. در منطقه کورسک، در نه ماه گذشته قیمت ها دو و نیم برابر شده اند در حالی که حقوق دانشکاهیان فقط یک سوم افزایش یافته است...»

برخوردهای حادی را با جمهوری خواهان داشت. عدم توافق جمهوری خواهان و دموکرات ها باعث بسته شدن بسیاری از اداره ها و آژانس های فدرال و به خانه فرستاده شدن بیش از ۸۰۰ هزار کارمندان این مؤسسات شد. بالأخره دولت حزب دموکرات و کنگره تحت کنترل جمهوری خواهان به توافقی بر سر یک «بودجه متعادل» رسیده اند که در عمل برنامه تقلیل بودجه خدمات عمومی در ظرف ۷ سال به اجرا در خواهد آمد.

✻ - اتحادیه های کارگری آمریکا در ماه های اخیر نشان داده اند که مصمم هستند سرسختانه در مقابل سیاست های دست راستی جمهوری خواهان و کنگره آمریکا مقاومت و مبارزه کنند. در اواسط آبان ماه، بیش از ۲۰,۰۰۰ تن از اعضای اتحادیه های کارگری در کلمبوس، پایتخت ایالت اوهایو علیه حملات محافل راست به حقوق طبقه کارگر دست به تظاهرات زدند. ویلیام برکا، رئیس مرکز اتحادیه ای در ایالت اوهایو خطاب به کارگران اعتراض کننده گفت: «هدف ما ایستادگی در مقابل سوء استفاده کمپانی ها از قدرت است». او ضمن اشاره به یک لیست طویل طرح های قانونگذاری که از سوی جمهوری خواهان مطرح شده است، از جمله، خاتمه دادن به قراردادهای دسته جمعی برای کارمندان بخش دولتی، از تقلیل میزان غرامت قابل پرداخت به کارگران، لغو قوانین موجود در مورد میزان دستمزد، و در سطح ایالت اوهایو کاهش طرح های بیمه های درمانی موجود، از ایجاد اتحادیه های تحت کنترل کمپانی ها و جلوگیری از افزایش حداقل حقوق و نیز از عزم کارگران به مبارزه سخن گفت.

در ۱۱ آبان ماه نیز ۲۰,۰۰۰ تن از زحمت کشان نیویورک در مخالفت با کوشش کنگره در محدود کردن طرح بیمه های درمانی تظاهرات کردند. این مبارزات نشانه های واضح مبارزه ای همه جانبه علیه کارزار ضد سندیکایی کمپانی ها است. لنو کرارد، دبیر بین المللی اتحادیه فولادگران متحد آمریکا گفت: «دشمنان ما جمهوری خواهان و دوستانشان در وال استریت هستند». او ضمن اشاره به پیروزی اخیر فولادگران در وارن و اوهایو و تلاش های ضد اتحادیه ای در کمپانی های کاترپیلار، استالی و بوئینگ متذکر شد: «ما دیگر بیشتر از این را تحمل نمی کنیم». ریچارد تورکا، رهبر جدید مرکز اتحادیه ای در میان غریو شعارها و ابراز احساسات کارگران گفت: «شما به آمریکا یک جنبش کارگری زنده و پویا را نشان می دهید... ما به ملت پیام می فرستیم... ما عقب نخواهیم نشست. کارگران اینجا هستند که بمانند و ما هرکسی را که سد راهمان باشد کنار خواهیم زد».

يك سوال و پاسخ ...

ایران از کرداب کنونی باید تشکیل شود، مشخص کرده است ۱ بریاد دهندگان انقلاب بهمن ۵۷ و آرمان های اساسی آن (استقلال - آزادی - عدالت اجتماعی) خود بدین ترتیب مشخص ساخته اند، کدام نیروها اگر در کنار یکدیگر قرار گیرند، خطر اساسی را برای حکومت کنونی ایجاد خواهند کرد...»

ناگفته نماند که انقلاب یک بار دیگر هم در نشریه شماره ۲۰ «راه توده» شکست می خورد (و پس از چند ماه مجدداً به حالت پیروزی و اوج گیری می رسد) که ما تنها برای تکمیل شدن این «ارزیابی همه جانبه و علمی» آن را در اینجا اضافه می کنیم؛ «بنظر ما «آزادی» در چارچوب رژیم ولایت فقیه، مانند هر رژیم دیگر (۱۴) ممکن است... ما به هیچ وجه معتقد نیستیم، که جامعه ایران در شرایط مشابه با «اوجگیری» انقلاب بهمن قرار دارد. بر عکس، ما در شرایط عقب نشینی و سرانجام شکست قطعی انقلاب بهمن (۱۴)، در شرایط قدرت گرفتن روز افزون امپریالیسم و کلان سرمایه داران در اقتصاد کشور، در شرایط قدرت گرفتن و ظهور یک «رضاخان» تازه قرار داریم...»

و اما چند نمونه جالب دیگر؛ در «راه توده» شماره ۲۴ در مورد برخی از سران رژیم می خوانیم؛ «در مورد دولت هاشمی رفسنجانی و همکاریانش... با وجود انتقادات و مخالفت های بسیار جدی و اصولی که نسبت به روش های اقتصادی داخلی و سیاست خارجی هاشمی رفسنجانی داریم و بیان می کنیم، وی و همکاریانش بطور کلی در «جبهه ارتجاع» مورد نظر ما جای نمی گیرند (۱۴)، بنابراین هر جا که آنها در مسیر مبارزه با این جبهه کام بردارند، باید در مقابل تهاجمات ارتجاع مورد حمایت قرار گیرند...» و بعداً در «راه توده» شماره ۲۲، دست اندرکاران نشریه ارزیابی جدیدشان را در مورد رفسنجانی و شرکاء از زبان نشریه «عصر ما» ارکان مجاهدین انقلاب اسلامی می آورند و مقاله این نشریه را بدون کوچکترین اظهار نظری، که نوعی تأیید است، چاپ می کنند، که در آن از جمله می خوانیم؛ «تردید نباید کرد که عوارض ناشی از سیاست «تعمیل اقتصادی» از محبوبیت آقای رئیس جمهور، که از محبوب ترین شخصیت های انقلاب به شمار می آمدند، کاسته است... چنین جامعه ای نمی تواند فکر کند و تشخیص دهد، که به لحاظ سیاسی، در گذشت مرحوم سید احمد خمینی، نه تنها به نفع رئیس جمهور منتخب مردم نیست، بلکه می تواند موازنه سیاسی را به ضرر ایشان برهم زند...» («راه توده» شماره ۲۲)

و دوام این نظریه نیز مانند سایر نظرات بالا است و ما در شماره فوق العاده آسفند ماه «راه توده» می خوانیم «بنظر ما، مهمترین رویدادهای دوران اخیر، همانا افشای روز افزون نتایج حاصله از سیاست های اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی بعنوان کارگزار برنامه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی (و به عبارت دیگر امپریالیسم) در میان توده های مردم بوده است...»

«راه توده» در میان برزخ دفاع یا محکوم کردن رفسنجانی در جای دیگری می نویسد؛ «ظاهراً باید مقابله با ترند های هاشمی رفسنجانی، در کل جمهوری اسلامی شکاف های جدیدی را به وجود آورده باشد... آغاز تجاوز نظامی به خاک عراق (به بهانه حمله به نیروهای مرفقی کرد و مجاهدین) تحت هر بهانه ای، که رژیم به آن متوسل شود، در واقع اجرای بخشی از سیاست و خواست امپریالیسم آمریکا در منطقه است و بنظر می رسد که دولت هاشمی رفسنجانی در اجرای همین سیاست و خواست می رود...» و سپس نتیجه گیری می کند؛ «آمریکا وعده مساعدت های اقتصادی سیاسی به آندسته از سران رژیم می دهد، که بی پروا تر از بقیه حاضرند، کام های آخر کودتای خزنده ای را که علیه انقلاب ۵۷، از سال ۶۰ آغاز شده، بردارند...» (فوق العاده «راه توده» «آبان ۷۳»)

آن زمانی که حزب توده ایران، در سال های نخست انقلاب از کودتای خزنده امپریالیسم و ارتجاع علیه حاکمیت سخن می گفت، کودتا علیه «خط امام» و چهره هایی مانند «رفسنجانی» ها و غیره را مد نظر داشت. طرح این موضوع، امروز به این شکل که کودتا ۱۴ سال است که همچنان مشغول خریدن است و جالب تر اینکه کسانی که در آن دوران در خطر کودتای امپریالیسم قرار داشتند، خود امروز عاملان اصلی کودتا هستند، دست مریزاد دارد و بس.

یکی از «انتقادات» جدی «راه توده» به اسناد چهارمین پلنوم کمیته مرکزی و از دلایل روشن «مغشوش» بودن این اسناد انتقاد جدی اسناد پلنوم از عدم پیکیری نیروهای مذهبی رانده شده از حاکمیت و اهداف واقعی آنها از مخالفت کنونی شان با رژیم است. در «راه توده» شماره ۳۰ در این باره می خوانیم؛ «انتقاد به مسلمانان مبارز، در حد خطاب غیر اصولی آنها به

«رادیکالیسم - پوپولیستی»، نیز فاقد تحلیل طبقاتی از نیروهایی است که با نظرات التقاطی، صادقانه خود در روند مبارزه انقلابی پس از انقلاب شرکت داشتند. آنها اکنون سر مواضعی قرار دارند، که بطور عینی، مواضع دفاع از دست آوردهای انقلاب بهمن است. رساندن بحث به سطح «حفظ پست های کلیدی خود»، قبل از آنکه یک بحث سیاسی و یک بررسی همه جانبه از شرایط روز ج.ا بشود هرگز روش حزب ما نبوده است...»

البته «راه توده» فراموش کرده است که خود در چند شماره پیش از این اظهار نظر، عیناً همین تحلیل را به این شکل ارائه کرده است؛ «واقعیت آنست، که مردم و اصولاً جنبش ملی با هدف نجات از شر حکومت موجود، با فاصله ای که حوادث آنرا تأیید می کند از دوره ای که برخی افشاکاری های روزنامه سلام متکی به آن بود، پیشی گرفته اند. مردم بسیار جلوتر از آن حرکت می کنند، که هنوز سیاست «یکی به میخ و یکی بر نعل» منعکس کننده خواست هایشان باشد. این جنبش سختگویان واقعی خود را خواهد یافت. اما بدون تردید این سختگویان از جمع کسانی نخواهند بود، که همچنان دل در گرو اصلاح سردمداران مقابل و یا پشت صحنه حکومتی دارند و می خواهند آب رفته از ملک و ده خویش را به جوی بازگردانند. مردم میخ خودشان را می کوبند و با نعل حکومتی کاری ندارند. این یادآوری نه برای تحریک وابستگان روزنامه «سلام» به ماجراجویی است و نه از سر دلسوزی برای کسانی که بهر حال برای دوره ای از ۱۵ سال گذشته سکان های حکومتی را در دست داشته اند...» («راه توده» شماره ۱۹).

و مختصری هم در مورد نظرات «راه توده» پیرامون اتحاد نیروها. در گزارشی از دیدار نمایندگان ۵ حزب و سازمان سیاسی ایران (فدائیان خلق ایران اکثریت، مشروطه خواهان ایران، جمهوری خواهان ملی ایران، حزب دموکرات کردستان ایران و حزب دموکراتیک مردم ایران) در شهر هامبورگ، «راه توده» از عدم حضور نماینده حزب توده ایران در این نشست ابراز تأسف می کند، و سپس در مقاله ای در پاسخ به «نامه مردم» حزب را به یاد انتقاد می گیرد و می نویسد؛ «ما فاصله هایی را که «نامه مردم» هنگام برخورد مسخره با سلطنت طلب ها و مشروطه خواهان مخلوط می کند (اشاره به مقاله شدید اللحن «نامه مردم» در پاسخ به سرمقاله نویس کیهان لندن در دفاع از تاریخ و حقانیت حزب توده ایران است)، به دقت مراعات کرده ایم...» «راه توده» نظرات صریح و مخالفت خود را درباره مواضع سیاسی - اقتصادی حزب دموکراتیک مردم ایران بارها اعلام داشته و باز هم خواهد داشت، همانگونه که درباره مشروطه خواهان و سلطنت طلب ها عمل کرده و خواهد کرد، تحقیر سازمانی، ریشخند مبارزان جدی (۱۴) در اپوزیسیون، مخلوط کردن مرزها و سپس همه را یکسان معرفی کردن (نظیر برخورد با مشروطه خواهان و سلطنت طلب ها) ... شیوه عمل «راه توده» نیست...» («راه توده» شماره ۲۰).

والبته این «ملاحظات» کاملاً «علمی» و «اخلاقی» در چند شماره بعد و هنگامی که دست اندرکاران «راه توده» قرار است از شرکت نماینده کمیته مرکزی حزب در «سمینار چپ ایران در سال ۲۰۰۰»، تزلزل همکاری رهبری حزب با محافل امپریالیستی را استنتاج کنند، کاملاً فراموش می شود و «راه توده» به دلیل آنکه چند سلطنت طلب در سمینار «چپ ایران» سال ۲۰۰۰ حضور داشتند، می نویسد؛ «پذیرش نماینده و عضو رهبری حزب توده ایران» در جمعی، که سلطنت طلب ها و مخالفان حزب توده ایران در آن اجتماع کرده بودند... توطئه ایست، که بدون تردید جناح راست اپوزیسیون در خارج از کشور تلاش دارد حزب توده ایران را قربانی آن کند...» («راه توده» شماره ۲۰)

این ها تنها نمونه های معدودی است از انبوه «نظرات» و «موضع گیری هایی» که دست اندرکاران «راه توده» متناسب با اوضاع جوی اتخاذ می کنند و در مقابل آن به هیچ کس پاسخ گو نیستند. از جمله به «لیبرال ها» تا دفاع از دکتر یزدی و حمله به حزب توده ایران به خاطر انتقاد از مواضع تسلیم طلبانه او در مقابل رژیم، همگی البته قابل توجه هستند و به عبارت دیگر؛ «هدف وسیله را توجیه می کند». نظری به همین مختصر، که مثنی است نمونه خروار، عبار مدعیات دست اندرکاران «راه توده» را به دست می دهد.



هیجدهمین کنگره حزب مترقی مردم زحمتکش قبرس (آکل)



هیجدهمین کنگره «حزب مترقی مردم زحمتکش قبرس» آکل، از ۲۵ تا ۲۸ آبان ماه جاری در نیکوزیا، پایتخت قبرس برگزار شد. مصادف بودن این کنگره با ۷۰-مین سالگرد پایه گذاری حزب، کنگره اهمیت خاصی به خود گرفته بود. حضور نمایندگان و هیأت های مهمان از ۴۲ حزب کارگری، کمونیست و ترقی خواه از ۲۲ کشور جهان نمایندگان اهمیت این کنگره بود. هیأت نمایندگی حزب توده ایران همراه هیأت هایی از کشورهای عراق، ترکیه، ارمنستان، روسیه، کویت، فرانسه، پرتغال، یوگسلاوی، ایتالیا، فلسطین، یونان، اردن، سوریه، هند، انگلیس، آلمان، سوئد، بحرین، بلغارستان، چین، جمهوری چک، جمهوری اسلواک، اتریش، استرالیا، کره، لبنان، اسپانیا، مجارستان، ویتنام، اسرائیل و کردستان در کنگره شرکت داشت.

کنگره علاوه برداشتن وظایف معمول کنگره های نویتی حزب وظیفه بررسی و جهت گیری در مورد تحولات سال های اخیر و نیز تنظیم سیاست حزب در قبال اتحادیه اروپا و عضویت قبرس در آن و همچنین مساله ادامه اشغال نیمه شمالی قبرس توسط نیروهای مسلح ترکیه را در مقابل خود داشت. مراسم افتتاحیه کنگره در استادیوم سرپوشیده ماکاریوس در حومه نیکوزیا برگزار شد. ۵۰۰۰ تن از اعضا، هواداران و علاقمندان حزب در این مراسم باشکوه شرکت کردند. جانشین رئیس جمهور قبرس، اعضای دولت، نمایندگان پارلمان، سفیرای کشورهای بزرگ و عمده جهان، شهرداران و نمایندگان همه احزاب قبرس در این مراسم شرکت داشتند. گروه های بزرگی از اعضای سازمان جوانان حزب با پرچم های سرخ و سفید در سکویای دو سوی استادیوم با شعار و سرودخوانی جو پر هیجانی در سالن ایجاد کرده بودند.

کنگره با سخنرانی کوتاه رفیق دونیس کریستوفینیس و قبول دستور کار کنگره و انتخاب هیأت رئیسه آغاز شد. پس از نمایش یک فیلم کوتاه در مورد تاریخ ۷۰ ساله موجودیت و مبارزه آکل در بطن تحولات جهانی، رفیق کریستوفینیس، دبیرکل حزب طی سخنانی در آغاز کنگره به مسایل عمده جهانی و داخلی پرداخت. او پس از توضیح نقش آکل در حیات سیاسی قبرس و اینکه حزب همیشه توانسته است سهمی عمده در شکل دادن تحولات کشور داشته باشد خاطر نشان کرد که رئیس جمهور پیشین کشور در حالیکه فقط آکل از او حمایت می کرد بیش از ۴۹٪ آراء را به خود اختصاص داده بود که این خود نشان دهنده احترام و نفوذ حزب در میان مردم است. او در ادامه سخنانش گفت: «رفقا ما از امروز کنگره ۱۸ حزب را برگزار می کنیم. کنگره ای که من اعتقاد دارم نقش مهمی در افزایش نقش آکل و جنبش خلقی و وسیع چپ بازی خواهد کرد. هزاران عضو، دوست و هواداران چپ بحث های کنگره را با علاقه دنبال می کنند. و این فقط نیروهای چپ نیستند بلکه تمامی جامعه قبرس است که در طول ۴ روز کنگره، توجه و علاقه خود را متوجه ما می کند و این یک امر اتفاقی نیست».

رفیق کریستوفینیس سپس به بررسی وضعیت جهانی پرداخت و ضمن بررسی همه جانبه ای از اوضاع جهان پس از فروپاشی کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی گفت: «مداخله خارجی نیز نقش مهمی در بی ثباتی ایفا کرد و دلایل زیادی حاکی از اینست که برخی از رهبرانی که تلاش نوسازی سوسیالیسم در اروپای شرقی را به عهده گرفتند امروز در روند احیای سرمایه داری، که در برخی از کشورها در ابتدایی ترین و ضد انسانی ترین مرحله است، در پیش گرفته شده، نقش و سهمی داشته اند». او اضافه کرد که برخی نیروها آن موقع تحولات کشورهای سوسیالیستی را جشن گرفتند... ولی ما جشن نگرقتیم... ما خطرات مونوکراسی امپریالیستی را پیش بینی کردیم. ما عدم پاسخگویی انحصارات فراملیتی و حمله به مردم زحمتکش در مقیاس جهان را پیش بینی کردیم». پس از ایراد بیاناتی در مورد نتایج «نظم نوین

سوسیالیسم یا مرگ

هر روز در مرز و بوم خیلی کشورهای منطقه انسان ها کشته می شوند، حتی بچه ها - جوانان و حتی بچه ها خودفروش می شوند. این يك واقعت است. هر روز اعمال زور، مواد مخدر و... مسایل دیگر پیش می آید که در کویت وجود ندارد. مهذا ما تنها کشور در دنیا هستیم که مورد محاصره قرار گرفتیم».

با توجه به تحولات سیاسی در ایالات متحده و امکان تسلط نیروهای افراطی راست در سطح دولتی رفیق کاسترو اظهار داشت:

«در چنین حالتی ما می بایست برای مقابله با محدودیت ها و تضییقات و مخاطرات احتمالی آماده باشیم و مبالغه نیست اگر بگوییم در صورتی که ضرور باشد حتی صد سال دیگر مبارزه خواهیم کرد. کشور ما بیش از صد سال به خاطر استقلالش مبارزه کرده، ما اجازه نداریم از این مبارزه دست بکشیم و هرگز دست نخواهیم کشید، بدون مبالغه ادعا می کنیم که آماده ایم هر چند مدت که ضرور باشد، مبارزه کنیم. ما بایست در آینده بهتر و بیشتر کار کنیم، به وظایمان بهتر عمل کنیم، بیشتر به خلق قهرمانان رجوع کنیم و از این دوران سخت همه جانبه تجریه بیاموزیم».

به من گزارش دادند که شما (مهمانان) از یک مرکز کامپیوتری، از استراحتگاه ها، اماکن عمومی دیگر، از مدارس معلولین، کودکان ها، مطب های پزشکان و از بیمارستان ها بازدید به عمل آورده اید و از تلاش مجدانه کشور برای حفظ این تاسیسات و... همچنین اطلاع از این واقعت که با وجود از دست دادن ۷۵٪ کل واردات نه یک مدرسه یا بیمارستان در اینجا بسته شده است و نه هیچ کودکی می بایست از مراقبت پزشکی یا از معلم صرف نظر کند، عمیقاً تحت تاثیر قرار گرفتید.

اکنون آنها که از وسایل و امکانات وسیع برخوردارند و میلیاردها پول در اختیار دارند ولی قادر نیستند حتی یکی از این مسایل را حل کنند، چه بهانه ای می توانند اختراع کنند یا ارائه دهند؟ ... کشورهای هستند که نفت و مواد معدنی فراوانی دارند، ذخایر بانکی هنگفت دارند و با اینهمه قادر نیستند حتی یکی از این دست آوردها را که خلق ما با وجود دوران اضطرابی و محاصره به آنها رسیده است، عرضه کنند».

رفیق کاسترو سخنرانی خود را با جملات زیر به پایان رساند:

«کویتا زنده است، مادام که زنان و مردانی چون شما در دنیا وجود دارند، مادام که هنوز خلقی چون خلق ما وجود دارد که قهرمانانه از حق حیات خود دفاع کند. کویتا زنده خواهد بود، بار دیگر من شعار خودمان را تکرار می کنم!

سوسیالیسم یا مرگ

میهن یا مرگ

ما پیروز خواهیم شد...»

جهانی» و لزوم مبارزه علیه آن، رفیق به مبارزه چپ در جهان پرداخت و اظهار داشت: «امروزه چپ، در وسیع ترین مفهوم خود، به تجدید سازماندهی نیروهای خود پرداخته است. من معتقدم که دوره عقب نشینی پایان پذیرفته است. چپ با خواست هایی به جلوی صحنه تاریخ بازگشته است. چپ راه حل های آلترناتیو خود را مطرح می کند. خواستار اظهار نظر و ایفای نقش می شود. حمایت توده ها را جلب می کند، در کشورهایی و با سرعتی که هیچکس انتظار ندارد. در کشورهای سوسیالیستی سابق، جایی که پس از تغییرات، افراطی ترین ضد کمونیست ها حاکم گردیدند. بهر صورت مردمی که مزایای سوسیالیسم را تجربه کرده بودند، مردمی که تجدید سازمان سرمایه داری مصایبی را برای آنان به ارمغان آورده بود، از شر آنتی کمونیسم رها می شوند و با آراء خود از احزاب چپ حمایت می کنند. احزاب جدید، احزاب احیا شده قدیمی نیستند، از این گذشته، چیزی نظیر این را ما آرزو نمی کنیم. همچنین ما در روند بازسازی جامعه سوسیالیستی دقیقاً همانطور که آن را قبلاً می شناختیم پیش نمی رویم. هیچکس نمی داند که سوسیالیسم و کمونیسم بازتولید شده در آینده چگونه تشکیل خواهد شد. یک چیز مشخص است: قرن ۲۱ قرن سوسیالیسم نوسازی شده است. آینده به سوسیالیسم نوسازی شده تعلق دارد «... و در درک ما، نوسازی شدن و مدرنیته شدن به معنی حفظ اصول پایه ای و کاربرد مفاهیم جدید در تطابق حقایق زندگی معاصر می باشد». رفیق لزوم استفاده از فرم های جدید و بیان جدید را در تدوین نقطه نظرات چپ متذکر و خاطر نشان کرد که چپ «نباید ریشه های خود را فراموش کند».

کنگره در ظرف سه روز بحث همه جانبه به بررسی و تصمیم گیری در مورد دو سند اساسی در مورد تزه های حزب و سیاست حزب در مورد پیوستن قبرس به اتحادیه اروپا پرداخت و در فضای دموکراتیک سیاست انتخاباتی مبارزاتی خود را تعیین کرد.

هیأت نمایندگی حزب توده ایران در طول کنگره در ملاقات های خود با نمایندگان احزاب برادر در زمینه مسایل مورد علاقه مذاکراتی به عمل آورد. مذاکرات هیأت نمایندگی حزب با هیأت های نمایندگی ترکیه، عراق، بحرین، ارمنستان، روسیه، کویت، فلسطین، ویتنام، یونان و قبرس علاوه بر بررسی مسایل جهانی و مسایل مورد توجه کمونیست های جهان ارتقای کیفی روابط متقابل را مورد توجه قرار داد.

در طول کنگره به دعوت رهبری آکل، نماینده حزب توده ایران در یک جلسه عمومی در منطقه کوهستانی تروروس برای هواداران حزب و اهالی سخنرانی کرد و ضمن بررسی وضعیت میهن استبداد زده مان و مبارزات نیروهای دموکراتیک و میهن پرست اهمیت اترناسیونالیسم پرولتری و همبستگی جهانی را خاطر نشان کردید. این جلسه با استقبال گرم اهالی و مسؤولان محلی روبرو شد و در ضیافتی که در خانه از سوی مسؤولان محلی برگزار شد، نمونه کارهای دستی منطقه به هیأت حزب توده ایران اهدا شد.

سوسیالیسم یا مرگ

در گردهمایی که به مناسبت راه پیمایی جوانان در روز ۱۵ اوت ۱۹۹۵، در هاوانا علیه محاصره اقتصادی برگزار شد. جوانان بیش از ۶۰ کشور جهان همگام با ۵۰۰,۰۰۰ کوبایی طاعانه علیه محاصره کوبا به اعتراض برخاستند. اینک بخشی از سخنرانی رفیق کاسترو در این گردهم آیی:



های سخت تر و پیچیده تری قرار داریم. با اینهمه و بدون تردید از این آزمون ها نیرومندتر بیرون خواهیم آمد. اینها از مزایای مشکلات است.»

رفیق کاسترو ضمن اظهار تشکر از اهالی پایتخت که علی رغم مشکلات مسکن، آب، برق و ایاب و ذهاب به گرمی از مهمانان ۶۵ کشور پذیرایی کردند و با سپاس کزاری از میهمانان- بخصوص از ۲۶۲ نفر نماینده خلق ایالات متحده که مخالف محاصره تبهکارانه و بناحق تحمیل شده به کوبا است- خطاب به نیم میلیون شرکت کننده چنین ادامه داد:

«چنین محاصره ای که اکنون بیش از ۳۵ سال ادامه دارد تا به حال نه در مقابل رژیم آپارتاید به کار برده شده است و نه علیه دوست های آمریکای لاتین که در کشورهايشان ۲۰۰۰، ۱۰,۰۰۰ و حتی ۳۰,۰۰۰ نفر شهروند را سر به نیست کرده اندو حتی اثری از بقایای آنها بجای نگذاشته اند. علیه دوست هایی که در يك کشور کوچکی چون کواتالا بیش از ۱۰۰,۰۰۰ شهروند را «مفقود» ساختند، نیز چنین محاصره ای اعمال نشد. اما علیه کوبا، جایی که کسی از کماندوهای مرگ نشانه ای نمی بیند، جایی که انسان ها مفقود نمی شوند، جایی که کشتار سیاسی در خیابان اتفاق نمی افتد؛ علیه کشوری که در آن هیچ گاه يك شهروند شکنجه نشده است. من سوال می کنم درباره کدام کشور دیگر می توان چنین ادعایی کرد؟»

ادامه در ص ۷

مدام می توان گروه های پلیس را مشاهده کرد که اطراف خود تیراندازی می کنند، گاز اشک آور به کار می برند، مردم را کتک می زنند و بعد از انداختن آنها به زمین آن ها را لگدکوب هم می کنند. این را می شود همه روزه در کشورهای متعدد از طریق تلویزیون دید. علاوه بر آن کشتار- کشتار زیاد- زخمی کردن و دستگیری های بی شمار دیده می شود. این مناظر تقریباً به امری عادی تبدیل شده است.

اما اگر در کوبا کوچکترین کوشش آشوبگرانه رخ دهد چه تبلیغاتی که نمی شود! چه هیاهویی که به راه نمی افتد، آنها تصور می کردند که انقلاب به شکست خواهد انجامید. ما سال هاست می گوئیم این انقلاب شکست نمی خورد، سال هاست می گوئیم این انقلاب از مسیر خود منحرف نمی شود، زیرا از فولاد ریخته شده و نه از سفید تخم مرغ، انقلاب ما پلنگ نیست این انقلاب در پرتو حمایت و تایید خلق و آگاهی به این واقعیت که این کشور هیچ گاه دوباره آنگونه که بود نخواهد شد، بازم پابرجا خواهد ماند. این مهم نیست که مردم انتقاد می کنند یا به حق به بعضی نارسایی ها اعتراض می کنند. بعضی از این اعتراض ها حتی ناشی از کمبود خبر است. خلق ما طبیعتی بسیار سرکش دارد. این خلق والاترین ارزشی است که انسان می تواند تصور کند؛ فداکار، از خود گذشته و جسور. خلقی که ناکزیر بود به خاطر دست یافتن به استقلال و عدالت در شرایط بسیار دشوار مبارزه کند؛ خلقی که فرهنگش خوشبختانه، در پرتو اهداف و الایش، به سطح بالاتر از اکثریت کشورهای جهان رسیده است. سطح آموزش در کوبا بالا است و برای نمونه شمار افراد بی سواد یا عملاً بی سواد در اینجا کمتر از شمار آنها در ایالات متحده است! خلق ما جنبه های نیرومند متعددی دارد. او آموخته است فکر کند. و در حال حاضر یکی از درخشان ترین صفحاتی را می نویسد که در تاریخ تاکنون نوشته شده است.

از زمانی که اردوگاه سوسیالیستی کاملاً متلاشی شده است، از زمانی که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی خود را منحل کرد و انسان های زیادی در جهان تصور کردند که انقلاب کوبا تنها چند روزی و یا حداکثر چند هفته ای دوام خواهد آورد، اکنون ۵ سال گذشته است. این انقلاب هنوز زنده است. ببینید چه نیرومند است. ما امروز گردهم آمده ایم تا خاطره پیروزی بزرگ ۵ اوت ۱۹۹۴ را زنده نگاه داریم؛ روزی که در آن خلق ضد انقلاب را در نطفه خفه کرد، بدون اینکه حتی يك تیر شلیک کرده باشد. این روز برای ما خیلی پر اهمیت، آموزنده و همچنین امیدوار کننده است، زیرا شرایطی که خلق امروز دارد با شرایط ۱۰ سال قبل فرق می کند. ۱۰ سال قبل ما همه چیز و آنهم فراوان داشتیم؛ آنقدر فراوان بود که ما حتی اسراف می کردیم. مواد سوختی، مواد اولیه، همه چیز و این یکی از مضرات فراوانی است. امروز ما کمتر از نصف آنچه را که در آن زمان داشتیم در اختیار داریم. امروز ما در معرض آزمون

«من در آن زمان بایست به خیابان می رفتم. این اولین وظیفه من بود که در چنین لحظه ای در کنار خلق باشم. دشمن از مدت ها قبل خود را برای این روز آماده کرده بود که اغتشاش ایجاد کند. گروه هایی تحریک شده بودند، که کشتی ها را بریايند و به ایالات متحده ببرند تا در آنجا به مثابه قهرمان مورد استقبال قرار گیرند. این گروه ها عملاً هم دست به فعالیت هایی زدند که موجب بی ثباتی شد. در «رکلا» افرادی با چاقو یا تپانچه مستقر شده بودند. آن ها کشتی های کوچک، متوسط و بزرگ را که به آنجا می آمدند می ربودند و به ایالات متحده می بردند (البته هرچه بدستشان می افتاد). هرچه جنجال و غوغا بزرگتر می شد به همان اندازه تبلیغات وسیع تری علیه کوبا انجام می گرفت. در آنجا از این فراریان با بهترین وضعی استقبال شد. به آنها امتیازاتی دادند که به هیچ شهروند دیگر در دنیا نمی دهند. هدف آنها ایجاد بی ثباتی در بحبوحه شرایطی بود که شهروندان ما می بایست با فداکاری در این موقعیت دشوار اقتصادی دست و پنجه نرم کنند. این گروه ها دست به آشوب و خرابکاری می زدند.

ما در مقابل متکی به فلسفه خودمان بودیم و تاکید ورزیدیم که خلق در اینجا انقلابی است و در هر شرایطی از انقلاب دفاع خواهد کرد. به همین علت نیز نگذاشتیم که ما را تحریک کنند. هدف دشمنان در خارج و متحدین آنها از تشویق ضد انقلاب در داخل این بود که، با وجودی که اقلیت ناچیزی را تشکیل می دادند، برخوردارهای خونینی به راه اندازند. آنها درصدد بودند جو متشنجی به وجود بیاورند، ما را تحریک کنند تا دست به اسلحه ببریم.

مطمئناً ما برای میلیون ها انسان، کسانی که حاضرند از انقلاب دفاع کنند و علیه دشمنان در خارج مبارزه کنند، اسلحه داریم. ولی صرف نظر از این موارد استثنایی که این دشمنان زمانی وارد کشور شوند و به روی انقلابیون ما اسلحه بکشند، ما هیچ ضرورتی نمی بینیم دست به اسلحه ببریم. زیرا ما برای حفظ انقلاب از حمایت خلق و توده ها برخورداریم. من موظف بودم سهم خود را به این نحو ادا کنم که نگذارم هیچ کس تحریک شود؛ ما ترجیح دادیم ریسک کنیم که به ما تیراندازی کنند تا اینکه ما اول اسلحه را به کار گیریم. ما واقعا به چیزی دست یافتیم که هرگز سابقه نداشت. با سرعت بی سابقه ای تمام خلق به خیابان ریخت و مجدداً نظم را برقرار ساخت. تنها حضور يك پارچه و روح انقلابی خلق باعث شد که مجدداً نظم برقرار شود، بدون اینکه از اسلحه استفاده شود.

در کجای دنیا چنین چیزی ممکن است؟ همه دنیا تلویزیون نگاه می کنند- می توانند ببینند که در دنیا چه اتفاق هایی رخ می دهد. در اروپای پیشرفته و متمدن، در ایالات متحده، در ثروتمندترین کشورها،

کمک های مالی رسیده

به مناسبت سالگرد حزب

نیم از استرالیا	۷۰ دلار
جواد از استرالیا	۴۰ دلار
امیر از استرالیا	۴۰ دلار
آرش از استرالیا	۳۰ دلار
رامتین از استرالیا	۲۰ دلار
جیم از استرالیا	۲۰ دلار

NAMEH MARDOM: No:468
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1- Postfach 100644 , 10566 Berlin, Germany
2- B.M.Box 1686, London WC1N 3XX, UK

5 December 1995

شماره فاکسی ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

